شنبه‌ها با شاهنامه فردوسی ۶

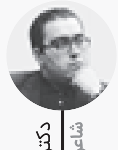

دکتر یوسف بینا
شاعر و پژوهشگر

همی خواهم از روشن کردگار
که چندان گذر یابم از روزگار
کز این نامور نامه‌ی باستان
به‌گیتی بمانم یکی داستان
که هر کس که اندر سخن داد داد
زمن جز به نیکی نگیرند یاد
بدان گیتی ام نیز خواهشگر است
که با تیغ تیز است و با منبر است
منم بنده‌ی اهل بیت نبی
ستاینده‌ی خاک پای وصی

***

مقدمه داستان «کین سیاوخش» در شاهنامه فردوسی دربردارنده ابیاتی است که حکیم توس از شصت سالگی خود سخن می گوید و گویا کم کم صدای پای مرگ را در نزدیکی خود حس می کند؛ بنابراین ضمن توصیف دوران پیری و سال خوردگی خویش، آرزویی را مطرح می کند که در قالب آن برنامه خود را برای ادامه زندگی و امید خود را به بخشایش خداوند در جهان آخرت به زبان آورده است.

فردوسی در این بیت ها می گوید: از خداوند بزرگ و توانا می خواهم که آن قدر فرصت برای زندگی بیابم که سرودن شاهنامه را به پایان ببرم و کتابی از خود به یادگار بگذارم که هر کس حق سخن را می شناسد بابت سرودن آن از من به نیکی یاد کند و در آن جهان نیز پیامبر(ص) شفیع من است، زیرا من بنده اهل بیت پیامبر(ص) و ستایشگر خاک پای علی(ع) هستم.

در این بیت ها، «روشن کردگار» یعنی خداوند توانا و بزرگ، «گذر یافتن از روزگار» یعنی عمر طولانی یافتن، «نامور نامه باستان» یعنی شاهنامه، «بمانم» یعنی باقی بگذارم، «داد دادن» یعنی حق را ادا کردن، «خواهشگر» معادل فارسی کلمه «شفیع» و «ستاینده» به معنای ستایشگر است.

همچنین «که با تیغ تیز است و با منبر است» برگرفته از مفهوم قرآنی «حدید و میزان» است که «حدید» معادل شمشیر یعنی جهاد و «میزان» معادل برقراری قسط و عدالت است و بنابراین پیامبر(ص) که صاحب شریعت اسلام است، صاحب «حدید و میزان» یا همان «با تیغ تیز و با منبر» است.

پژوهشگران سخنان زیادی درباره باورهای شیعی فردوسی گفته و نوشته اند و استنادهایی به بیت های دیباچه شاهنامه و دیگر شواهد تاریخی کرده اند، اما این بیت ها را که مشتمل بر باور شیعی «شفاعت» در کنار ستایش اهل بیت(ع) است نیز می توان دلیل دیگری بر اعتقاد دینی و مذهبی حکیم توس دانست. در متون و احادیث اسلامی، پیامبر(ص) «شفیع امت» خوانده شده و از قول آن حضرت نیز خواسته اش از امت «دوستی اهل بیت(ع)» است؛ یعنی مجموعه باورهایی که در این بیت های شاهنامه آمده است.

اخبار

شاعر گنابادی درگذشت

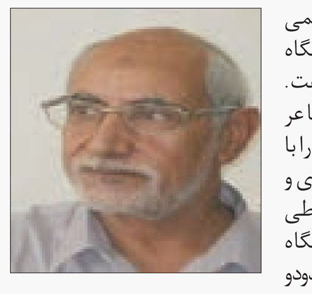

اسفندیار فیاضی، شاعر قدیمی و محلی سرای گنابادی، شامگاه گذشته دار فانی را وداع گفت. به گزارش «ایبنا»، این شاعر قدیمی گنابادی که همه او را با شعرهایی به گویش گنابادی و طنز می شناختند بعد از طی کردن یک دوره بیماری شامگاه گذشته سوم اسفند در هشتادودو سالگی درگذشت. این شاعر پیش کسوت گنابادی چندین کتاب شعر را به لهجه گنابادی نوشته و آخرین اشعار وی با عنوان «کلیژد» نیز آماده انتشار است.

اعتراض ها به پلمب خوارزمی

اتحادیه ناشران و کتاب فروشان تهران در پی پلمب کتاب فروشی خوارزمی نوشته است: «اتحادیه ضمن ابراز تأسف از پلمب کتاب فروشی پرسابقه خوارزمی با اشاره به تلاش و اهتمام اتحادیه در گفت وگوهای طرفین و دست یابی به نتیجه مطلوب و توافق طرفین و شرکا خواستار از سرگیری گفت وگوها برای حل و فصل موضوع شد.» کتاب فروشی خوارزمی جزو قدیمی ترین فروشگاه های کتاب تهران است که هم زمان با انتشارات، در سال ۱۳۴۸ تأسیس شده است. این کتاب فروشی با مدیریت چهل ساله مجید طالقانی اداره می شد. گویا بخشی از سهام انتشارات خوارزمی به مرحوم عبدالرحیم جعفری تعلق داشت که پس از تملک انتشارات «امیرکبیر» و واگذاری آن به سازمان تبلیغات اسلامی سهام او هم به مالکیت سازمان تبلیغات اسلامی درآمد. در پی دعوی حقوقی، سازمان تبلیغات اسلامی و مجید طالقانی، کتاب فروشی خوارزمی دوم اسفندماه پلمب شد و به گفته مجید طالقانی زمان فک پلمب و بازگشایی این کتاب فروشی مشخص نیست.

## زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

- «اوبلادرنگ خودش را به محل حادثه رساند...»
- ویراسته ✓
- «اوبی درنگ خودش را به محل حادثه رساند...»
- نکته

«درنگ» واژه‌ای فارسی است و نباید با «بلا» که عربی است، ترکیب شود. این ترکیب به قیاس «بلافاصله» ساخته شده است.

#زین_قند_پارسی

درباره پیرمرد، کتاب فروش مراکشی که شهرت جهانی پیدا کرده است

قلمروی کوچک پادشاهی عزیز

چهره روز

خادم|قلمرو پادشاهی محمد العزیزی ملقب به عزیز در قلب شهر باستانی رباط در کشور مراکش قرار دارد. وسعت قلمرو او کمتر از ۵۰ متر است. یک مغازه قدیمی که قابِ چوبی کهنه آن تخت پادشاهی عزیز است. کتاب هایش، قالیچه های سلیمان. عزیز برای لذت بردن از روزش فقط به دو بالش و یک کتاب نیاز دارد. این کتاب فروش هفتاد و یک ساله بین شش تا هشت ساعت در روز را مطالعه می کند و تنها زمانی دست از این کار می کشد که بخواهد چیزی بخورد، دعا کند، سیگار بکشد یا پاسخ مشتری ها را بدهد. او چهار هزار کتاب به زبان های عربی، فرانسوی، انگلیسی و اسپانیایی خوانده است. سال ها ایستادگی و یکدنگی او در خواندن و خواندن و خواندن معروفش کرد. شُهره شهر است و وقتی مردم بخواهند آدرس کتاب فروشی بدهند، او را توصیه می کنند و می گویند: «به محله قدیمی برو، پیرمردی را می بینی که در محاصره انبوهی کتاب نشسته و یکی از آن ها در دستانش است، حتما پیدایش می کنی.» و داستان این خواندن لاینقطع و بی وقفه، داستان انتقام است. عزیز در شش سالگی یتیم شد. ماهیگیری پیشه کرد تا بتواند رؤیایش، یعنی گرفتن دیپلم را عملی کند. در پانزده سالگی این واقعیت را پذیرفت که باید قید تحصیلات و پایان دبیرستان را بزند؛ چون کتاب های درسی خیلی گران بود. سال ۱۹۶۳ عزیزِ عصبانی و بدون دیپلم رفت زیر سایه درختی نشست، با یک قالیچه و ۹ جلد کتاب. او سال ۱۹۶۶ این مغازه را خرید و از آن روز منظره او در حال کتاب خواندن در میان قابِ درِ کتاب فروشی اش به نقطه عطفی در خیابان محمد پنجم که از قلب شهر قدیمی رباط می گذرد تبدیل شده است.

عزیز روزی دوازده ساعت کار می کند. او روز و کارش را با قدم زدن در محله های رباط شروع می کند و به دنبال فروشندگان کتاب می گردد. پس از خرید بهترین ها به مغازه می رود و شکارهای جدید را به پشته ها اضافه می کند. وقتی از او پرسیدند چند کتاب در مغازه ات داری؟ پاسخ داد: «کافی نیست.» این در حالی است که ستون کتاب ها به سقف رسیده است.

هر عنوانی که توجه عزیز را جلب کند در هجوم به آن و ورق زدنش تردید و درنگ نمی کند. یکی از کتاب های مورد علاقه او «بینوایان» ویکتور هوگو است، چون قهرمان آن، ژان والژان، در معرض بی عدالتی و رنج قرار گرفته و همین باعث شده است عزیز با او همذات پنداری کند و داستانش را هیچ وقت فراموش نکند.

او مغازه اش را باز نگه می دارد تا به عموم مردم فرصتی برای مطالعه بدهد. می گوید: «من اینجا خواهم بود تا روزی که همه بتوانند بخوانند. من بیش از ۴۰۰۰ کتاب خوانده ام، بنابراین بیش از ۴۰۰۰ بار زندگی کرده ام. همه باید این شانس را داشته باشند.» اما او می داند که همه این کار را نمی کنند. نرخ بی سوادی در مراکش هنوز بالاست و حدود ۲۶ درصد مردم سواد خواندن و نوشتن ندارند. علاوه بر آن، همه آن هایی که توانایی خواندن دارند علاقه ای به ورود به دنیای کتاب نشان نمی دهند؛ مانند همه جای دنیا، کم و بیش.

عزیز در دوازده ساعت کاری شاید یک یا دو کتاب بفروشد. با این حال، سود مالی در برابر آنچه یاد می گیرد و آموخته هایش از کتاب هایی که خوانده، بی معناست و کوچک ترین اهمیتی ندارد. او می گوید: «خواندن فکرم را باز کرد، اما هر بار که کتاب جدیدی می خوانم احساس نادانی می کنم. احساس اینکه در زندگی هیچ چیز نمی دانم.»

وقتی اسم تلویزیون یا اینترنت را جلوی او ببرند، انگار نام دشمن هایش را آورده اند، چون وقتی تلویزیون در مراکش همگانی شد یک چهارم مشتری هایش را از دست داد و اینترنت هم بقیه آن ها را بلعید. البته اینترنت این حُسن را هم دارد که کسانی که دنبال کتاب یا مجله ای می گردند، او را پیدا کنند.

عزیز می گوید: «زندگی من حول محور مطالعه می چرخد. چیزی که در زندگی بیش از همه چیز برایم مهم است، توانایی خواندن است. چیزی که می توانم آن را تا پایان ادامه دهم. با خواندن زندگی را می شناسیم و با ترک آن زندگی را از دست می دهیم.»

وقتی در دوران پیری خبرنگاری به سراغش می رود، به او می گوید: «من این طور انتقامم را از دوران کودکی، فقر و وضعیتم گرفتم.» حس انتقام جویی عزیز برای چندین دهه ادبیات را به شهر رباط مراکش آورده است.

شوق مکاشفه شخصی

روایت یک شب نشینی با کلمه ها که به صحبت پیرامون جستار و جستارنویسی گذشت

عکس ها: محسن خاوری/سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی

محبوبه عظیم زاده

گزارش رویداد

جستار، روایت شخصی، تجربه زیسته و... همه از کلمه ها و ترکیب هایی است که این روزها بیش از گذشته به گوشمان می خورد و در نهایت نیز می تواند ما را به اثری مکتوب برساند که در آن با شرحی از احوالات و ماجراهایی روبه رو شویم که بر فرد یا افرادی گذشته است. اثری که می تواند نوشتن از یک فقدان باشد و یک جای خالی که یکهو به زندگی مان چنگ انداخته و یکی از عزیزانمان را از دل زندگی مان قاپیده و حالا از این به بعد قرار است ما به جای خود او، با جای خالی اش روبه رو شویم. یا مواجهه یک پدر یا مادر با بیماری صعب العلاج فرزند کوچکشان که همه روزهایی که باید با شیرین زبانی ها و بچگی کردن های او بگذرد، در مسیر دکتر و بیمارستان می گذرد یا هم روبه رو شدن با ترسی عمیق و تمام واکنش های فیزیولوژیک بدن به آن. اما آیا به صرف روایت یک اتفاق و نطق کردن درباره آن ما با یک جستار طرفیم؟ اصلا چه ویژگی هایی باید در متن ما وجود داشته باشد تا بتوانیم آن را جستار خطاب کنیم و آن خون و رگ و پی اصلی چیست و آن «من»ی که قرار است در یک جستار تجلی پیدا کند کدام است و باید چه روایت کند؟ صحبت پیرامون این مسائل، محور آنچه بود که در شب نشینی با کلمات گذشت. برنامه ای که برای گپ زدن درباره جستار و جستارنویسی و با حضور الهام شوشتری زاده، مترجم، شمیم مستقیمی، جستارنویس و مستندساز، مهدی یزدانی خرم، نویسنده و مسعود نبی دوست، روزنامه نگار در تالار فردوسی فرهنگ سرای جهاد دانشگاهی برگزار شد و البته، مراسم اختتامیه جشنواره جستارنویسی وقایع نگاران به همراه نمایشگاه عرضه آثار منتخب جستارنویسان و نمایشگاه گذر وقایع نیز آن را تکمیل کرد.

جستار یکی از ژانرهای روایت از خود است

اصلا جستار و روایت خود چیست و چه نسبتی با یکدیگر دارد؟ آیا هر روایت شخصی جستار است و آیا هر جستار یک روایت شخصی است؟ الهام شوشتری زاده می گوید: «روایت خود خیلی گسترده است و جستار شخصی یکی از شصت ژانر روایت خود است. چیزی که در جستار مهم است این است که جستارنویس یک شیوه اکتشافی دارد در مواجهه با جهان وسعی می کند چیزهای متضاد را کنار هم بگذارد و از دل این تضادها به تشابه برسد. همه این ها باعث می شود جستار برای زمانه ما که زمانه اضطراب و تشویش است خیلی فرم جذابی باشد. برای من چیزی که حرف زدن درباره جستار، ناداستان و ادبیات را توجیه می کند این است که تاریخ تا حدی محصول کنار هم گذاشتن روایت های شخصی است. جستار به شدت بحث گسترده ای است، چون خاصیت و خصلت اساسی اش سیالیت است. جستار خاصیتی که دارد این است که تو شروعش می کنی، اما بعد در مسیر می بینی که کجا می بردت. درواقع چیزی که جستار را جستار می کند همین جست وجو، خاصیت آزمودن است.»

یک دل نوشته یا یک قطعه ادبی با جستار متفاوت است

او در بخشی دیگر از صحبت هایش از این می گوید که به خاطر حرفه اش خیلی با متن هایی روبه رو می شود که ادعا می کنند جستار است در صورتی که نویسنده فرق دل نوشته و قطعه ادبی را با جستار نمی داند و در آن هیچ روحیه ای از جست وجو نیست: «باید به این نکته توجه کنیم که تجربه زیسته لزوما برای شما حقانیت و اعتبار نمی آورد. نویسنده روایت خود باید به دو نکته توجه کند: اول اینکه نشان بدهد که من می دانم دیدگاه ها و موقعیت های دیگری جز دیدگاه من وجود دارد و من تنها تجربه معتبر دنیا را ندارم. دوم اینکه به خواننده نشان بدهد که من حواسم هست همه چیزهایی که من می گویم از فیلتر ذهنی من می گذرد و من آدمی نیستم که بتوانم قرص و محکم درباره همه چیز نظر بدهم و موضع بگیرم. باید حواسمان باشد در دام فضیلت نمایی گستاخانه نیفتیم. در ضمن نباید فراموش کنیم لذت خواندن همیشه ذاتا لذت فردی است نه اجتماعی. یعنی کار نویسنده در وهله اول این است که یک متن جذاب خلق کند.»

جایی که روح در جایگاه آزادی و خودآگاهی ایستاد

برای چه جستار می نویسیم؟ «من جستار می نویسم تا درباره خودم، جهان، گذشته ام به مکاشفه های تازه ای برسم. جستار جست وجویی است به دنبال یک الگو، یک معنا یا یک فهم در جایی که گیج و درمانده شده ام.» شمیم مستقیمی، با ذکر این نقل قول به این نکته اشاره می کند که یکی از تکنیک های رایج در نوشتن جستار همین نقل قول هاست و ارجاع به موضوع هایی که دارید رویش کار می کنید. او در ادامه صحبت هایش به لحظه تاریخی پیدایش جستار اشاره می کند و می گوید: «اساس جستار از وقتی که فرد آزاد متولد شد و این فرد آزاد نیاز به صدا داشت ایجاد شد. یا به عبارت دیگر، آنجایی که روح در جایگاه آزادی و خودآگاهی ایستاد. این دو جایی است که جستار را ممکن می کند. تقلا برای آزادی و خودآگاهی که در فرد تجلی پیدا می کند و می خواهد بروز پیدا کند. جستار صدای این جایگاه و جامعه جدید است.»

از «من» گفتن به معنای خودنمایی و خودشیفتگی نیست

مستقیمی در ادامه، نقل قول دیگری از مونتنی از مقدمه کتاب جستارهای مونتنی خوانده و از این گفت که اصول جستارنویسی به ما می گوید در متنی که می خوانیم باید حس کنیم نویسنده خودش را بی پیرایه مقابل ما قرار می دهد و نمی خواهد عیب و نقصش را از کسی بپوشاند، دنبال زیب و زیوری نیست و صادقانه در برابر ما نشسته تا حدی که ممکن است کسی بگوید این حرف ها به چه دردی می خورد؟! درست همان طور که مونتنی گفته: «... این کتاب را وقف کاربردی ویژه بستگان و دوستان ساخته ام. بهر روزی که دیگر بدون من بمانند. چون به زودی باید همین کنند تا بتوانند در آن نشانه ای چند از خلق و خویم بازیابند و از این راه شناختی را که از من دارند تمام تر و زنده تر بپرورانند. در جست وجوی لطف دنیا هم نبوده ام تا زیب و زیوری بر خود ببندم. در این کتاب می خواهم به شکل ناب و ساده و هر روزه ام بی پیرایش و بی آرایش دیده شوم. چرا که خودم را به نقش می کشم و صورت دست ناخورده ام را و هر عیب و هر نقص آن را بی پرده به تماشا می گذارم...» هرچند، همین نقطه عریان شدن جایی است که در همه این سال ها که جستار خلق شده و سرپا مانده، دلیل حمله به این ژانر ادبی شده است و خب به هر حال، توانسته خودش را از زیر بار این حملات نجات دهد و باقی بماند.

او در قسمت پایانی صحبت هایش به این نکته نیز اشاره می کند که از خود نوشتن و از من گفتن نباید با جنون خودشیفتگی یا منیت و خودنمایی اشتباه در نظر گرفته شود و به قول عباس کیارستمی: «انسانی که خویشتن را مورد مطالعه قرار می دهد، تنها به تحلیل خود نمی پردازد بلکه خود را از نو خلق می کند.»؛ چیزی که از من نوشتن را معنا می کند و اگر این اتفاق در جستار نیفتد دیگر خواندنی نیست و مخاطب هم آن را به خوبی در می یابد.»

باید آنچه به آن علاقه و باور داریم بنویسیم

اما این «من»ی که محور اصلی این ژانر از روایت خود است دقیقا معنایش چیست؟ «من»ی که بسیار مهم است و به قول مهدی یزدانی خرم، نویسنده شهیری چون داستایفسکی را نمی توان از روی رمان های معتبرش شناخت، اما از روی جستارهایش که درباره خود می نویسد و «من»ی که در آن ها جریان دارد به خوبی می توان شناخت. یزدانی خرم می گوید اصل و نکته مهم ماجرا نیز همین است. اینکه جرئت داشته باشیم چیزی که به آن علاقه و باور داریم را بنویسیم: «اینکه در نوشتن جستار باید حواسمان باشد تا خاطره گویی نکنیم یا اینکه سهل و ممتنع بنویسیم که کار بسیار سخت و مهمی است. اما مهم تر این است که بتوانیم فکرمان را روی کاغذ بیاوریم. درواقع باید حواسمان باشد که بتوانیم تمیز قائل شویم بین «من»ی که متعلق به من است یا «من»ی که دیگران می خواهند یا فرم ادبی زمانه می طلبد یا فرم انسان دوستانه است. جستار صادقانه یعنی جرئت داشته باشیم آنچه به آن علاقه و باور داریم را بنویسیم.»

این نویسنده همچنین به این نکته اشاره کرد که: «نویسنده ها موجودات ترسناکی هستند. جستارنویسان به نظر من موجودات مستبدی هستند که باید همه چیز و همه کس را قضاوت کنند و دیگران هیچ اهمیتی برایشان ندارد. درواقع این طور بگویم که دموکراسی داشتن در موقع نوشتن کار بیهوده ای است. نباید اجازه بدهید که اخلاقیات و عرف ها و ترس هایی که جامعه ایجاد می کند کاری کند که یک متن ملاحظه کارانه یا خنثی بنویسید. به همین دلیل جستار نوشتن کار بسیار سختی است.»

شخصی ترین تجربه ها عمومی ترین تجربه هاست

در ادامه این نشست مسعود نبی دوست، با گریزی به تجربه هایی که در حوزه محلات داشت از این گفت که لازمه نوشتن یک جستار این است که خواننده بتواند با مطالعه آن لحظات مشترکی را بین خود و نویسنده پیدا کند و بتواند به خوبی با آن متن ارتباط برقرار کند. او می گوید: «من اسم این اتفاق را می گذارم «معجزه منم همین طور». باید یک منم همین طور در روایتی که می نویسیم وجود داشته باشد که آدم ها وقتی به یک بخش از روایت ما می رسند بگویند منم همین طور، این اتفاق برای من هم افتاده است.»

او در ادامه صحبت هایش گفت: «اینکه چرا از خودمان صحبت می کنیم یا اینکه چرا باید از خودمان صحبت کنیم، پرسشی بود که در ابتدا پاسخ روشنی در ذهنم برای آن نداشتم. اما اکنون می دانم که شخصی ترین تجربه ها عمومی ترین تجربه هاست.»

> **شمیم مستقیمی:** تقلا برای آزادی و خودآگاهی که در فرد تجلی پیدا می کند و می خواهد بروز پیدا کند. جستار صدای این جایگاه و جامعه جدید است. اساس جستار از وقتی که فرد آزاد متولد شد و این فرد آزاد نیاز به صدا داشت ایجاد شد. یا به عبارت دیگر، آنجایی که روح در جایگاه آزادی و خودآگاهی ایستاد. این دو جایی است که جستار را ممکن می کند

> **الهام شوشتری زاده:** باید به این نکته توجه کنیم که تجربه زیسته لزوما برای شما حقانیت و اعتبار نمی آورد. نویسنده روایت خود باید به دو نکته توجه کند. اینکه نشان بدهد که من می دانم دیدگاه ها و موقعیت های دیگری جز دیدگاه من وجود دارد و من تنها تجربه معتبر دنیا را ندارم

> **مهدی یزدانی خرم:** نکته مهم ماجرا همین است. اینکه جرئت داشته باشیم چیزی که به آن علاقه و باور داریم را بنویسیم: «اینکه در نوشتن جستار باید حواسمان باشد تا خاطره گویی نکنیم یا اینکه سهل و ممتنع بنویسیم که کار بسیار سخت و مهمی است. اما مهم تر این است که بتوانیم فکرمان را روی کاغذ بیاوریم

> **مسعود نبی دوست:** من اسم این اتفاق را می گذارم «معجزه منم همین طور». باید یک منم همین طور در روایتی که می نویسیم وجود داشته باشد که آدم ها وقتی به یک بخش از روایت ما می رسند بگویند منم همین طور، این اتفاق برای من هم افتاده است

در اختتامیه جشنواره موسیقی فجر انجام شد

اعطای نشان درجه یک هنری به دو هنرمند موسیقی مقامی خراسان

چهره روز

احمدی فر|استاد «غلامحسین غفاری» و استاد «غلامرسول صوفی» دو خواننده موسیقی مقامی تربت جام پنجشنبه شب، نشان درجه یک هنری خود را از دست وزیر فرهنگ و ارشاد دریافت کردند. پنجشنبه شب، در آیین اختتامیه سی و هشتمین جشنواره موسیقی فجر که در تالار وحدت برگزار شد، استاد غلامحسین غفاری و استاد غلامرسول صوفی دو خواننده موسیقی مقامی شرق خراسان، نشان درجه یک هنری خود را از دست وزیر فرهنگ و ارشاد دریافت کردند. در این مراسم همچنین از فعالیت های هنری این دو پیشکسوت موسیقی مقامی، قدردانی شد. در بخش موسیقی نواحی سی و هشتمین جشنواره موسیقی فجر همچنین از فعالیت های هنری استادان «محسن نفر» نوازنده، آهنگ ساز و مقام دان موسیقی ایرانی، «خالوقنبر راستگو» نوازنده پیشکسوت موسیقی هرمزگان و «وحید اسداللهی» نوازنده موسیقی مقامی منطقه آذربایجان نیز تقدیر شد. غلامحسین غفاری متولد ۱۳۳۵ در روستای «احمدآباد» در نزدیکی تربت جام است و از محضر استادان پیش کسوت موسیقی مقامی از جمله «حاج لطف ا...هزاره» بهره برده است. غلامحسین غفاری به ویژه تسلطی منحصربه فرد در آوازهای هزارگی دارد. غلامرسول صوفی نیز متولد روستای «قادرآباد» در نزدیکی تربت جام است. وی نیز آوازخوانی را در نزد استادان بنام منطقه آموخته است. غلامرسول صوفی بازی در فیلم «کولی» را هم در کارنامه دارد. اجرا در جشنواره های بین المللی و کشورهای اروپایی نیز ثبت و ضبط موسیقی مقامی منطقه در قالب کاست از جمله فعالیت های هر دو استاد است.

ششمین جشنواره رسانه‌ای ابوذر به کار خود پایان داد

۴ رتبه برتر، سهم خبرنگاران شهرآرا

گروه فرهنگ و ادبیات

گزارش رویداد

اختتامیه ششمین جشنواره رسانه ای ابوذر خراسان رضوی برگزار شد و برگزیدگان بخش های مختلف این جشنواره معرفی شدند که در این میان، خبرنگاران روزنامه شهرآرا در بخش های گفت وگو، گزارش و تیتر به رتبه های برتر دست یافتند.

به گزارش روابط عمومی ششمین جشنواره رسانه ابوذر خراسان رضوی مهدی شاد، مسئول بسیج رسانه خراسان رضوی، در این مراسم اظهار کرد: از ابتدای جشنواره رسانه ای ابوذر تلاش کردیم مسائل زیست بوم خراسان را دنبال کنیم و هویت رضوی و امام رضایی بودن مشهد بیش از هر مسئله دیگر برای ما مهم بوده است. شاد تصریح کرد: فضای رسانه ای استان، پویا، توانمند، مسئله شناس و عالم است و جشنواره «ابوذر»، یک اقدام و تلاش برای پیشرفت در کار جبهه ای است. هیچ فردی به اندازه خبرنگار و فعال رسانه ای در عرصه حل مسئله توانمند نیست. ما در مشهد امام رضا(ع) در صف نگاه راهبردی امام رضا(ع) حرکت می کنیم و در مقابل هرچه به این هویت ضربه بزنند خواهیم ایستاد. وی افزود: از امروز و با برگزاری اختتامیه جشنواره ششم، رویدادهایی با مدل آزاد فکری و انتقال تجربه را آغاز خواهیم کرد. در ادامه «فاطمه سهامی»، دبیر ششمین جشنواره رسانه ای ابوذر استان خراسان رضوی، گزارشی از روند برگزاری ششمین دوره این جشنواره را در استان ارائه کرد و با قدردانی از همه افرادی که در این جشنواره فعالیت و همکاری داشتند، گفت: در این دوره از جشنواره ۶۷ درصد شرکت کنندگان را آقایان تشکیل می دادند. همچنین ۶۸.۳ درصد شرکت کنندگان مربوط به رسانه های مشهد و بقیه مربوط به رسانه های شهرستان ها بوده اند. سهامی تصریح کرد: بیشترین آثار ارسالی به دبیرخانه جشنواره با ۲۳,۲ درصد مربوط به بخش مکتوب بوده و گزارش های ویدئویی در جایگاه دوم بیشترین آثار ارسالی قرار داشته است.

ضعف در شبکه سازی رسانه ای

در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، طی سخنانی اظهار کرد: استان خراسان رضوی به عنوان یکی از سه استان برتر از نظر تعداد رسانه ها و یکی از دو استان برتر از لحاظ محتوای رسانه ای شناخته می شود. او با اشاره به ابزارهای انتقال پیام در گذشته اظهار کرد: طی چند دهه گذشته استفاده از فضای مجازی شکل جدیدی به رسانه ها داده و سرعت انتقال پیام به حدی افزایش یافته است که در کمتر از یک روز فیلم های هالیوودی در فضاهای مختلف رسانه ای پخش می شود.

خسروپناه گفت: امروزه در دنیا در زمینه علوم شناختی و دانش بنیانی نوآوری های مختلفی می شود، اما اجازه نمی دهند علوم را منتقل کنند، چون آن ها از حوزه دانش بنیان ها درآمد دارند. وی افزود: رسانه ابزاری انحصاری برای عده ای اختاپوس در دنیا شده و جریان های فراماسونری به دنبال دستیابی به قدرت رسانه ها هستند. خسروپناه تأکید کرد: امروز ابزار جنگ شناختی دشمن رسانه است و نیاز به فاعلیت رسانه ای داریم. دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی افزود: در حوزه رسانه جبهه انقلاب اسلامی ضعف جدی داریم. مشکل فعالیت رسانه فردی و جزیره ای است و رسانه انبوه نداریم. در شبکه سازی رسانه ها ضعف جدی وجود دارد و پراکنده هستیم. این ضعف ماست. وی گفت: آن گونه که دشمن از رسانه استفاده می کند تا پیام کاذبانه خود را منتشر کند و بر مخاطب اثر بگذارد، رسانه های انقلاب در این بخش ضعیف هستند، درحالی که هم از دانش رسانه و هم از رویکرد انقلابی برخوردارند اما رسانه انبوه نیستند.

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: رهبر معظم انقلاب مهم ترین ابزار در جهاد تبیین را رسانه می داند. زمانی جهاد تبیین اتفاق می افتد که جمعیت در آن وجود داشته باشد. جهاد ممکن است فردی باشد اما در مفهوم اصلی آن، تلاش مستمر و جمعیت شرط است. اگر لشکر شکل نمی گرفت، ایران نمی توانست در هشت سال جنگ تحمیلی به پیروزی دست یابد. به گفته وی، جنگ هشت ساله، از نوع جنگ جهانی بود اما رزمندگان نگذاشتند یک وجب از خاک ایران در اختیار دشمن قرار گیرد. حجت الاسلام خسروپناه تأکید کرد: رسانه ها باید شبکه رسانه ای درست و همه با هم یک پیام یکسان را منتشر کنند. در قصه اغتشاشات اخیر رسانه های معاند پیام را به سرعت به مخاطب منتقل کردند اما پیام های رسانه انقلابی پراکنده بود. باید جبهه سازی و شبکه سازی رسانه ای در کل کشور شکل گیرد و اتاق فکری در این زمینه تشکیل شود تا این پیام منتقل شود، در این صورت رسانه انقلاب تأثیرگذار است.

> **عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی:** رسانه ابزاری انحصاری برای عده‌ای اختاپوس در دنیا شده و جریان های فراماسونری به دنبال دستیابی به قدرت رسانه ها هستند. امروز ابزار جنگ شناختی دشمن رسانه است و نیاز به فاعلیت رسانه ای داریم

تقدیم نشان ویژه شهید فرودی به پیشکسوت رسانه ای استان

در ادامه این مراسم که با حضور خبرنگاران، مدیران رسانه و مسئولان برگزار شد، نشان ویژه شهید فرودی شامل خودنویس آن شهید گران قدر که به رسم امانت در اختیار جشنواره ابوذر قرار گرفته است، به «غلامرضا بنی اسدی» چهره ماندگار رسانه‌ای به پاس یک عمر تلاش موثر و سازنده تقدیم شد. این نشان به مدت یک سال در اختیار غلامرضا بنی اسدی قرار دارد و سال آینده به چهره ماندگار جشنواره هفتم ابوذر تحویل داده خواهد شد. در این مراسم «فاطمه سهامی» از سوی رئیس سازمان بسیج رسانه استان خراسان رضوی به عنوان دبیر هفتمین جشنواره رسانه ای ابوذر استان خراسان رضوی معرفی شد.

برگزیدگان ششمین جشنواره رسانه ای ابوذر خراسان رضوی

براساس آرای هیئت داوران جشنواره، رتبه های برتر بخش های مختلف این جشنواره به شرح زیر اعلام شد: در بخش پادکست حسین شجاع رتبه نخست، سارا اکبری رتبه دوم و سید مسلم احمدی رتبه سوم جشنواره معرفی شدند. در بخش تیتر طاهره فخر داودلی رتبه نخست، مهدی عسکری از شهرآرا رتبه دوم و محمدحسین مروج کاشانی رتبه سوم این بخش معرفی شدند. در بخش عکس هادی دهقان پور رتبه نخست و احمدرضا مختاری فر رتبه دوم جشنواره معرفی شدند. در بخش گزارش مکتوب سمانه علی اکبری رتبه نخست، محبوبه فرامرزی و الهام مهدیزاده، خبرنگاران شهرآرا به رتبه های دوم و سوم جشنواره دست یافتند. همچنین مصطفی قطبی اثر شایسته تقدیر معرفی شد. در بخش گزارش ویدئویی فاطمه سلطانی رتبه نخست، محمدیاسین وفائیان رتبه دوم و مصطفی طهان رتبه سوم معرفی شدند. همچنین هدی زاهدی جایزه ویژه این بخش را دریافت کرد. در بخش مجموعه عکس میثم دهقانی رتبه نخست جواد قنبری رتبه دوم، سیدحمیدرضا حسینی رتبه سوم معرفی شدند. در بخش مستند محمدمهدی سرشت رتبه نخست، علیرضا باغشنی و صادق رمضانی مقدم رتبه دوم مشترک این بخش جشنواره معرفی شدند. همچنین محمد مهدی خالقی و حامد پویان رتبه سوم مشترک این بخش جشنواره معرفی شدند. در بخش مصاحبه مهدی عسکری از شهرآرا رتبه نخست، محسن فاطمی نژاد رتبه دوم و مجید حسین زاده علاقه بندان رتبه سوم این بخش جشنواره معرفی شدند. همچنین ریحانه برومند اثر شایسته تقدیر معرفی شد. در بخش موشن گرافی احسان سرابی راد رتبه نخست، رضا حاتمی و فاورضا کفاشیان بشرویه رتبه سوم جشنواره معرفی شد. در بخش یادداشت علیرضا خوش گفتار به عنوان اثر شایسته تقدیر معرفی شد سعید سید حسین زاده رتبه نخست، محمدرضا سالار مقدم حصاری رتبه دوم و ایمان صلواتی رتبه سوم جشنواره معرفی شدند. در بخش هنر و رسانه مریم اکبرزاده» رتبه نخست هاله وجدانی اکبرزاده رتبه دوم و محبوبه جوادی پور رتبه سوم این بخش از جشنواره معرفی شدند. همچنین در بخش برنامه سازی در فضای مجازی حمیدرضا مهدی پور جایزه ویژه این بخش را به خود اختصاص داد.

> **مهدی شاد، مسئول بسیج رسانه خراسان رضوی:** هیچ فردی به اندازه خبرنگار و فعال رسانه ای در عرصه حل مسئله توانمند نیست. ما در مشهد امام رضا(ع) در صف نگاه راهبردی امام رضا(ع) حرکت می کنیم و در مقابل هرچه به این هویت ضربه بزنند خواهیم ایستاد.

نشان طلای ادبیات کودکان به «قصه‌های خندان» رسید

گزارش

کتاب «قصه‌های خندان از نوشته‌های بزرگان» نوشته مشترک عباس محمدی کلهر و اسماعیل امینی است که انتشارات سوره مهر آن را منتشر کرده است و این کتاب به تازگی نشان طلای ادبیات کودکان در هفدهمین گردهمایی بین المللی انجمن ترویج زبان فارسی را اکسب کرد. عباس محمدی کلهر، یکی از نویسندگان این کتاب که با «تسنیم» گفت وگو کرده است بیان می کند: «قصه های خندان» دربردارنده چهل قصه از داستان های کلاسیک فارسی است که برخی از آن ها حدود چند جمله یا در قالب یک تمثیل کوتاه موجود است و ما آن ها را در کتاب وسعت داده ایم تا جایی که برخی از این داستان ها به ۱۰ صفحه نیز می رسد. وی در ادامه گفت: نکته اشاره شده درباره این مجموعه داستان، زمینه طنز همه آن هاست. یعنی با استفاده از مهارت های طنزنویسی، همه داستان ها در فضایی طنزآمیز ارائه و در تألیف آن تلاش شده است تا از اصطلاحات امروزی و رایج در بین نوجوانان استفاده شود.

هدف ما علاقه مند کردن نوجوانان به ادبیات کهن بود

این نویسنده درباره هدف نوشتن این کتاب بیان کرد: هدف اصلی ما از نگارش این کتاب آن بوده است تا نوجوانان ایرانی با قصه های کهن فارسی آشنا شوند و با خندیدن در فضای کتاب، به این قصه های کهن علاقه مند شوند و اصل این داستان ها را از متون کهن پارسی مطالعه و پیگیری کنند. عباس محمدی کلهر درباره ضرورت و لزوم اقتباس از آثار کهن و معرفی آن به نسل جدید گفت: برخی اقتباس را الهام گرفتن دوباره از آثار آفریده شده قبلی دانسته اند، اما من گمان می کنم اقتباس را می توان نوعی بازآفرینی بیان کرد. با این نگاه تحلیل رابطه معنی و صورت شکل دیگری پیدا می کند. این رابطه یعنی نسبت صورت و معنی همواره مورد توجه اسطوره شناسان و برخی روان شناسان بزرگ از جمله یونگ بوده است که در آثار خود به آن اشاره هایی داشته اند. وی افزود: به موضوع بازآفرینی پیوسته و مستمر کهن الگوها یا کهن معنی ها در اسطوره ها از طریق آیین ها و مراسم و سنت های تکرار شونده در آثار نویسندگانی چون جوزف کمپل توجه شده است. بازآفرینی کهن معنی ها یا به قول یونگ روان شناس شهیر معاصر، کهن الگوها و آرکی تایپ ها با فرایند فرافکنی در فرایند روانی مورد توجه و کندوکاو قرار گرفته است. بازآفرینی در شعر نیز همواره از طریق انعکاس کهن معنی ها در مضمون ها انجام شده است. این نویسنده گفت: همواره برخی زوج های معنایی مثل فراق و وصال، غم و شادی، خوف و رجا و تاریکی و روشنی به وسیله مضمون هایی در دوره های مختلف با تصاویر متنوع و جدید بازآفرینی شده اند. مثلاً کهن معنی فراق و وصال با انواع صورت ها به وسیله زوج های معنایی مثل خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، گل و بلبل و شمع و پروانه یا در این اواخر در شعر منزوی با مضمون ماه و پلنگ بازآفرینی شده اند. محمدی کلهر با اشاره به موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد خود درباره مضامین تکرار شونده و معانی مشترک در ترانه های دفاع مقدس، بیان کرد: مشاهده می شود که نقطه مشترک و کانونی در همه بازآفرینی ها، چه در اسطوره، چه در روان شناسی و چه در شعر این است که معانی کهنه تمایل دارند در صورت ها و شکل های جدید بازآفرینی و ظاهر شوند. این تمایل و نوآوری در سنت ها در پایان نامه دکتری مرحوم قیصر امین پور نیز به آن توجه و اشاره شده است. وی افزود: بازآفرینی درون مایه های تمثیلی و تعلیمی و حکمت آموز از ادبیات فارسی و انتقال آن به نسل جدید یکی از اهداف من بوده است که تلاش کردم تا آن را در مجموعه داستان های قصه های خندان به سامان برسانم. همین هدف و تلاش برای انجام این هدف نیز باتوجه استادان زبان و ادبیات فارسی شرکت کننده در هفدهمین گردهمایی بین المللی زبان و ادب فارسی مواجه شده است و آن را به عنوان خدمت به زبان و ادبیات فارسی ارج نهادند و در نهایت نشان طلای هفدهمین دوره باتوجه به حضور بسیاری از بزرگان ادبیات کودک در مرحله نهایی به این کتاب اختصاص یافت. از عباس محمدی کلهر به جز این کتاب تاکنون دو مجموعه شعر «آلام» و «از دوستت دارم» منتشر شده است و از اسماعیل امینی که استاد زبان و ادبیات فارسی است، چندین مجموعه شعر و شعر طنز منتشر شده است که می توان به کتاب ها «خندمین ترافسانه: جلوه های طنز در مثنوی معنوی» و «ببر در کوزه» و «تبسم دوست» اشاره کرد.

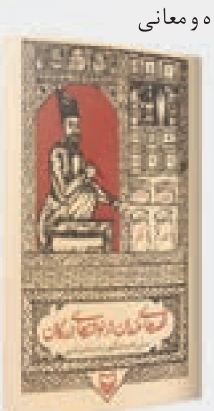

جاودان خرد

بازگویی و گزارش
پاره‌هایی پندآمیز از نثر کهن پارسی (۵)

علی باقریان

سامانیان فارسی دوست، در نهایت، نبرد فرمانروایی را به ترکان، از جمله غزنویان، باختند، اما نه رشته کارهای نیکشان گسست و نه زبان فارسی کنار رفت. خوشبختانه، در سده چهارم هم فارسی گویی و فارسی نویسی ادامه پیدا کرد. یکی از کسانی که در این راه کوشید اصلا خودش زاده ایام حکمرانی منصور بن نوح اول بود. ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی (۳۶۰-۴۴۰؟)، همه چیزدان بزرگ، ده ها اثر در فلسفه و ادبیات و ریاضیات و نجوم و جغرافیا پدید آورد که متأسفانه یا خوشبختانه یکی از آن به فارسی است. کتاب «ألتَّفهیم لِأوائلِ صَناعةِ ألتَّنجیم» (آموزش پیش نیازهای کار اخترشناسی) ــ که البته برخی گفته اند ممکن است ترجمه کسی دیگر از یکی از نوشته های عربی بیرونی نوشته باشد ــ از سال ۴۲۰ به دست ما رسیده است. نویسنده این کتاب آن را به خواهش دختری به نام ریحانه و به صورت پرسش و پاسخ نوشته است، جوری که فهمیدنش برای نوآموزان و تازه کارها، البته در آن زمان، سخت نباشد. در بین ۵۳۰ پرسش این کتاب، به ضرورت، پرسش هایی درباره حساب و هندسه و برخی علوم دیگر هم آمده است که علاقه مندان به نجوم باید پاسخ های آن ها را بدانند.

از را در برابر معادل های عربی آورده است، واژه هایی مثل «آتش بار» (صاعقه) و «انباشته» (کبیسه) و «پهلو» (ضلع) و «راست پای» (متساوی الساقین) و «نیم روزان» (نصف النهار). اما فواید این کتاب برای فرهنگ ایرانی محدود به این مسائل نیست؛ در این اثر، جابه جا، دانستنی های سودمندی درباره آیین های کهن ما هست که بخشی از آن ها را اینجا می خوانید:

•

«از رسم های پارسیان، ’نوروز‘ چیست؟ نخستین روز است از فروردین ماه، وزین جهت ’روزِ نو‘ نام کردند، زیرا ک پیشانیِ سالِ نو است. وآنچ از پسِ اوست از این پنج روز، همه، جشن هاست. و ششمِ فروردین ماه ’نوروزِ بزرگ‘ دارند، زیرا ک خسروان بِدان پنج روز حق های حَشَم و گروهان و بزرگان بگزاردندی و حاجت ها روا کردندی؛ آن گاه، بدین روز ششم، خلوت کردندی خاصّگان را. و اعتقادِ پارسیان اندر ’نوروزِ نخستین‘ آن است که اول روزی است از زمانه و بِدو فلک آغازید گشتن. ’تیرگان‘ چیست؟ سیزدهم روز است از تیرماه و نامش ’تیر‘ است، هم نامِ ماهِ خویش، و همچنین است به هر ماهی آن روز که هم نامش باشد او را جشن دارند. و بدین ’تیرگان‘ گفتند که آرش تیر انداخت از بهرِ صلحِ منوچهر که با افراسیابِ ترکی کرده است بر تیرِ پرتابی از مملکت. و آن تیر کِفْتِ او از کوه های طبرستان بکشید تا بر سوی تُخارستان. ’مهرگان‘ چیست؟ شانزدهم روز است از مهرماه و نامش ’مهر‘. و اندر این روز اَفریدون ظفر یافت بر بیوَراسبِ جادو، آنک معروف است به ’ضحاک‘، و به کوهِ دماوند بازداشت. و روزها که سپسِ مهرگان است، همه، جشن اند بر کردارِ آنچ از پسِ نوروز بُوَد. و ششمِ آن ’مهرگانِ بزرگ‘ بُوَد و ’رام روز‘ نام است و بدین دانندش. ’پروردگان‘ چیست؟ پنج روزِ پسین اندر آبان ماه. و سببِ نام کردنِ آن چنان است که گَبرَکان اندر این پنج روز خورِش و شراب نهند روان های مردگان را و همی گویند که جانِ مرده بیاید و زآن غذا گیرد.... ’بَهمَنجَنّه‘ چیست؟ بهمن روز است از بهمن ماه. و بدین روز بهمنِ سپید به شیرِ خالصِ پاک خورند و گویند که حفظْ فزاید مردم را و فَرامُشتی ببرد. و اما به خراسان مهمانی کنند بر دیگی که اندر او از هر دانهٔ خوردنی کنند و گوشتِ هر حیوانی و مرغی که حلال اند و آنچ اندر آن وقت بِدان بُقْعَت یافته شود از تره و نبات.»

•

از میان آیین های پارسیان، «نوروز» چیست؟ نخستین روز فروردین ماه است، و برای این آن را «روز نو» نام نهاده اند که آغاز سال نو است.

پنج روزِ پس از آن نیز، هر روز، جشن است. ششم فروردین را «نوروز بزرگ» می دانند، از آن روی که پادشاهان، در آن پنج روز، کارکنان دربار و دسته های گوناگون و بزرگان را پذیرا می شدند و پاس می داشتند و خواسته ها را برمی آوردند و سپس این روز ششم را تنها با نزدیکان ویژه خود می گذراندند. باور پارسیان درباره «نوروز نخستین» (روز نخست) آن است که نخستین روز جهان است و در آن چرخ روزگار به گردش افتاد.

«تیرگان» چیست؟ سیزدهمین روز تیرماه است و نامش، همچون ماهی که در آن است، «تیر» است. (همچنین، در هر ماهی، آن روز را که هم نام آن ماه است جشن می گیرند.) از آن روی به این روز «تیرگان» می گویند که در آن آرش، در پی سازش منوچهر با افراسیاب تورانی بر سر اینکه [برای نمایاندن مرز دو کشور] تیر بیندازند، تیر انداخت، و آن تیر [که از] دوش او [رها شد] از کوه های تبرستان (مازندران) تا تخارستان (سرزمینی در مرز افغانستان و تاجیکستان امروزی) رسید.

«مهرگان» چیست؟ شانزدهمین روز مهرماه است و نامش «مهر» است. در این روز، فریدون بر بیوراسب [دارای ده هزار اسب] افسون ساز، آن که او را به نام «ضحاک» می شناسند، پیروز شد و او را در کوه دماوند در بند کرد. روزهایی که پس از مهرگان اند، همچون روزهایی که پس از نوروزند، همه، جشن اند و ششمین روز «مهرگان بزرگ» است و آن را به نام «رام روز» [روز رام که یکی از ایزدان ایران باستان است] می شناسند.

«پروردگان» چیست؟ پنج روز پایانی آبان ماه، و از آن روی چنین نام گرفته است که زردشتیان در این پنج روز برای روان های رفتگان خوردنی و نوشیدنی می گذارند و بر آن اند که روان آن که [از این جهان] رفته بازمی گردد و از آن خوراک برمی دارد....

«بَهمَنجَنّه» (بهمنگان) چیست؟ بهمن روز (روز دوم) بهمن ماه است. در این روز، بهمن سپید (گونه ای گیاه) را با شیر پالوده پاکیزه می خورند و بر آن اند که نیروی یادآوری کسان را بیشتر و فراموشی را درمان می کند. اما در خراسان [در این روز]، با بارگذاشتن دیگی که در آن همه جور دانه خوراکی و گوشت هر گونه جاندار و پرنده ای که خوردن آن روا باشد و هر سبزی و گیاهی که در آن هنگام در آن سرزمین یافت شود می ریزند، دیگران را پذیرا می شوند.

•

«ألتَّفهیم لِأوائلِ صَناعةِ ألتَّنجیم» (۴۲۰). با تجدید نظر و تعلیقات و مقدمه تازه به خامه جلال الدین همایی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی. بی تا. صص. ۲۵۳-۲۵۷.